

تعیین رابطه بین "صفا" و "شان" از اصول هنر خوشنویسی با مراتب "لاهورت" و "هاهورت" از مراتب وجودی ابن عربی (مطالعه موردی: قطعه سوره حمد، اثر میر عماد الحسنی)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۳

کد مقاله: ۶۱۴۲۸

معمرب اسپاهیج^۱

چکیده

خوشنویسی و عرفان با یک دیگر ارتباط دارند. در این راستا، هدف پژوهش حاضر این است که نشان داده شود ارتباط بین مولفه های "صفا" و "شان" از اصول دوازده گانه خوشنویسی ایرانی-اسلامی با مراتب "لاهورت" و "هاهورت" از مراتب وجودی ابن عربی چیست. مطالعه موردی تحقیق سوره حمد اثر میر عماد الحسنی بود. روش تحقیق کتابخانه ای و اسنادی است. طبق یافته ها برای رسیدن به صفا خوشنویس می کوشد خط خود را (مانند درون) پیراسته و رها از تقلید صرف کند و آماده شود که درک خود از زیبایی را در عالم ممکن آشکار سازد. بنابراین در این مرحله ابداعی صورت نمیگیرد. همچنین در صفا خوشنویسی اتصال به حق نیست، بلکه آمادگی برای اتصال به حق است. خط خوشنویس در این مرحله کیفیتی فراتر از اصول (هنر خوشنویسی) است و پاکی و سلامت بیشتری دارد. شان نیز جزء دوازدهم از اجزای خوشنویسی و مرتبه متعالی آن است. بر اثر شان، خوشنویس تجربه ای دیگر را می آزماید که شاید بتوان از آن به عنوان رهایی یاد کرد، رهایی از آنچه مانع وصل او به عین الیقین بوده است. شان، ظهور درونی خوشنویس در هنرش است. او در متن تجربه ای قرار میگیرد که شاید بتوان آن را نوعی خلاقیت ناب دانست. بنابراین می توان بیان داشت مولفه "شان" و "صفا" به عنوان دو ویژگی از ویژگی های دوازده گانه این مقله با مفاهیم عرفانی ارتباط دارد.

واژگان کلیدی: هنر خوشنویسی، صفا، شان، عرفان، ابن عربی، مراتب وجود

۱- دانشجوی دکتری رشته پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، ایران، تهران

خوشنویسی در هنر اسلامی مانند سایر هنرهای مقدّس، صرفاً در محدوده زیبایی (صوری) خلاصه و محصور نمی شود، بلکه دارای مراتب بالاتری است که می توان از آن تعبیر به والایی^۱ کرد. در نزد خوشنویسان نیل به چنین مرتبه یا مراتبی در فرایند آفرینش خوشنویسی نیاز به پالایش معنوی (تزکیه نفس^۲) دارد. به عبارت دیگر، برای بسیاری از افراد، اگرچه ممکن است با آموزش و یادگیری اصول خوشنویسی، فرد خوشنویس خطی زیبا ارائه کند، اما تنها چنین کاری را می توان مهارت یا فن خوشنویسی در قالبی زیبا دانست و در قالب زیبا شناسی رایج مورد واکاوی و بررسی قرار داد، در حالی که مرتبه والایی نیازمند به پرداختن به لایه های باطنی و برخورداری از حالات معنوی هنر و هنرمند (شأنیت) است. مشاهده آثار خوشنویسانی که مرتبه والایی (والایش معرفتی) را در خوشنویسی تجربه می کنند، علاوه بر زیبایی^۳، دارای ویژگی خاصی است که در قالب کلماتی مانند کمال و حُسن می گنجد. (قلیچ خانی، ۱۳۷۳: ۴۴).

بررسی تاریخی خوشنویسی در فرهنگ اسلامی بویژه در سرزمین ایران و نیز بررسی زندگی نامه یا تذکره های خطاطانی که دارای روحیه عرفانی بودند، نشان دهنده چنین حالتی است. بدین مفهوم که صفات حُسن و کمال که نشانگر والایش خوشنویس، یا اثر خوشنویسی شده است، در آثار او مشاهده می شود. (قیصری، ۱۳۷۰: ۷۷). به عنوان مثال، برای دست یافتن به چنین مرتبه یا مراتبی، برخی از خوشنویسان به وضع اصول یا قواعد فنی در عرصه خوشنویسی اقدام کرده اند؛ که از سردمداران آنها ابن مقله و اصول دوازده گانه او برای خوشنویسی است. بررسی این اصول نشان می دهد که ساختار آن اصول در جهت دست یافتن به مهارتی ریاضی گونه با قابلیت قرار دادن این اصول و قواعد دوازده گانه در جدولی ریاضی گونه^۴ عقلانی می باشد؛ اگرچه تعدادی از این قواعد نیز وراء قاعده عقل استدلالی قرار دارد؛ همانند دو مرتبه^۵ "شأن" و "صفا"^۶. از این رو، به نظر می رسد درک "شأن" و "صفا" از محدوده شناخت زیبایی عقلانی (عقل استدلالی) خارج است و می بایست والایی آن، از طریق ادراکات قلبی و عرفانی (عقل کلی) صورت پذیر باشد. (لاهیجی، ۱۳۸۱: ۲۲).

در این پژوهش طرح مساله چنین است که ما دو وجه عقلانی استدلالی و وراء عقلانی استدلالی (عقل کلی) در اصول (قاعده) دوازده گانه ابن مقله را بررسی خواهیم کرد. اصول دوازده گانه او عبارتند از: ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی، نزول مجازی، اصول، صفا و شأن که، به نظر می رسد، ده تا مورد نخست، بنیانی ریاضی وار و عقلانی دارند و به مدد تمرین و ممارست برای همگان آموختنی است؛ اما دو اصل اخیر از حوزه شناخت عقلانی بیرون و در محدوده ادراک عرفانی دسته بندی شود.

این پژوهش می کوشد مبانی شکل گیری و تکامل خط و خوشنویسی در سرزمین ایران و سایر کشورهای مسلمان (اسلامی) را با در نظر گرفتن اصول نظری عرفان اسلامی و زایش خوشنویسی در بستر اخلاق یا عرفان عملی بررسی و واکاوی کند. همانطور که اشاره شد خوشنویسی در سرزمین های اسلامی تنها نتیجه و انحصار در مهارت ریاضی گونه و ساختارمند نیست. درواقع، نظامی فکری و معرفتی متعالی تر از سطح عقل استدلالی و توأم با بداهه نویسی^۷ در پس آن خود نمایی می کند. درواقع، اصول خوشنویسی علاوه بر فن و مهارت، نیازمند نوعی وصل و اتصال به معارف عرفانی و ارتباط با معارف و اخلاق معنوی و عرفانی برای کسب الهامات قلبی و باطنی است. با توجه به مطالب فوق و نیز رابطه تنگاتنگ معرفت و متعلق آن یعنی وجود، هدف اصلی مقاله این است که به مطالعه صفا و شأن در هنر خوشنویسی اسلامی با تاکید به نظریه ابن عربی در باره "مراتب وجود" بپردازد.

۲- ادبیات پژوهش

بسیاری از پژوهشگران عقیده دارند که رابطه عرفان و خوشنویسی به مانند نسبت روح و تن تعریف می شود. در کنار این ها باید به ظهور مکاتب فکری و اعتقادی در عرفان نظیر مکتب ابن عربی اشاره نمود (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۵۴). ابن عربی در کتاب عظیم «فتوح مکیه» خود بحثی در قالب کلام و با مضمون حکمت در قلب کلمات دارد که می تواند بر این ادعا پایبند بود که رابطه عرفان و خطاطی با بهره گیری از اصول مشخصی شکل گرفته است؛ این ارتباط تا حدی است که تاثیر چشم گیری در تدوین مبانی زیبا شناختی و تحول و تغییر صورت خطاطی داشته است. بنابر این، خطاطی، عظمت و بزرگی عرفان را در قالب کلمات و

1- Sublime
2- Catharsis

4- Matrice
5- Refinement
6- Dignity
7- Improvisation writing

۳- تناسبات صوری

حروف به تصویر می کشد. این موضوع نشان می دهد هنر خوشنویسی در سیر و سلوک عرفانی تاثیر گذار است. (ابن عربی، بی تا، ۱۲۱).

خطاطان و صاحب نظران بزرگی نظیر ابن مقله با تدوین اصول خوشنویسی تحول عظیمی در سیر نگارش حروف به سمت خوشنویسی هنرمندانه بوجود آورد. وی اولین شخصی است که به تنظیم قواعد خطاطی پرداخته و خوشنویسی ایرانی-اسلامی را تحت قاعده و انضباط در آورده است (مشهدی، ۱۳۷۳: ۴۴). او دارای نبوغ و استعداد خاصی در علم هندسه بود و اصول خطوط را بر مبنای دایره و سطح پایه نهاد. بعد از ابن مقله، خوشنویسان دیگری از جمله ابن یوآب این اصول را بسط دادند، که تحت عنوان قواعد دوازده گانه خوشنویسی شناخته شده است. در ادامه بابا شاه اصفهانی در رساله ارزشمند خود با عنوان "آداب المشق" اولین باب از آموزش هنر خط را کسب صفات نیکو و خصال پسندیده قرار می دهد و بیان می دارد که وجود این صفات در ضمیر انسان بیانگر اعتدال او است و این نفس و ضمیر معتدل است که می تواند زیبایی را جاری کند و به همین سبب خوشنویس باید در خلال کسب هنر به درک و دریافت زیبایی های درونی و خصلت های نیکوی انسانی نیز بپردازد. سپس، به معرفی قواعد و اصول دوازده گانه می پردازد. «صفا» و «شان» دو جزء از اجزا یا قواعد دوازده گانه خوشنویسی است که نویسنده رساله "آداب المشق" یاد کرده است (بابا شاه اصفهانی، ۱۳۹۱: ۳۲). مصنف رساله معتقد است که خوشنویس باید برای تکامل خط خود در تحصیل "صفا" و "شان" بکوشد. "صفا" و "شان" مراحل نهایی آموختن خوشنویسی است که با عرفان مرتبط است. خوشنویس باید بعد از آموختن مقدمات فنی در «اجزای تسعه» و رسیدن به جزء دهم، یعنی «اصول» که مرحله تکامل فنی است، خود را آماده تحصیل "صفا" و "شان" کند. "صفا" و "شان" از اصطلاحات خاص عرفان و تصوف است و در این رساله نیز دقیقا همان معانی خاص عرفانی از آنها مستفاد می شود. "صفا" به معنی پاکی، در برابر کدورت، از صفات حمیده انسان است. عارفان مکرراً تأکید کرده اند که انسان بی صفا آمادگی پذیرش هیچ گونه معنایی از عالم غیب را ندارد (اخوان الصفا، ۱۴۱۲: ۴۳). از این رو، "صفا" در خوشنویسی مرحله آمادگی برای تحصیل مرحله پایانی، یعنی مرحله «شان» است. "شان" در اصطلاح عرفا برابر است با «صُورِ عالم در مرتبت تعین اول» یا «قلم اعلاء»، «روح اعظم» و «ام الكتاب»؛ "شان" مرحله ظهور و تجلی الهی در حضرت واحدیت یا مرتبه انسان کامل و خلیفه الهی است. چنانچه عارف قصد تقرب به مرتبه واحدیت و درک "شان" و معنای «کلّ یوم هو فی شأن» را داشته باشد، باید پله "صفا" را طی کند. خوشنویس نیز در نوشتن کلمات، از آفرینش کلمات تکوینی پیروی می کند و "صفا" و "شان" دارد. همچنین، در مراتب وجودی (حضرات خمس) ابن عربی مراتب "هاهوت" و "لاهورت" با سیر و سلوک عرفانی ارتباط دارد. این مراتب تنها با سیر و سلوک معنوی و وجود حالاتی خاص عرفانی میسر می گردد. (ابن عربی، ۱۴۰۰: ۱۲).

بنابراین، می توان مدعی شد که رابطه عرفان و خطاطی با بهره گیری از نظام و اصولی مشخص شکل گرفته است. چنانچه این ارتباط تأثیر شگرفی در تدوین مبانی زیبایی شناختی و تحول صورت خطاطی داشته است. شاید بتوان خطاطی را (به ویژه در حوزه فرهنگ ایرانی) تعین روح عرفان در کالبد حروف و کلمات دانست. از اینرو، در پژوهش حاضر با توجه به دو اصل "صفا" و "شان" از اصول هنر خوشنویسی ایرانی-اسلامی به تعیین رابطه بین این دو اصل با "مراتب وجود" ابن عربی، یعنی "هاهوت" و "لاهورت" پرداخته شده است.

۳- یافته ها

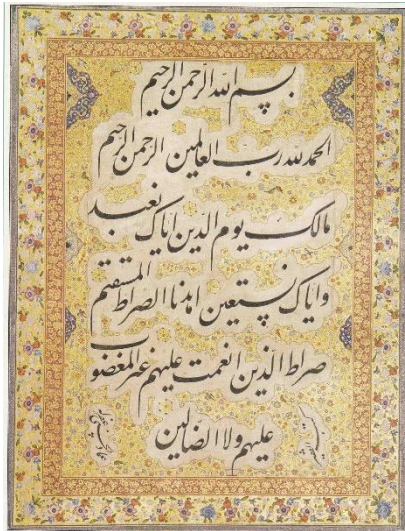
"صفا" در خوشنویسی ایرانی-اسلامی مرحله آمادگی می باشد که خوشنویس در این مرحله از عهده نوشتن صحیح و مجذوب بر می آید و خوشنویس می کوشد خط خود را پیراسته نماید و درک خود از زیبایی را در عالم ممکن آشکار سازد. در این مرحله خط وی آماده ظهور خلاقیت و ویژگی های جدید^۳ می گردد. از اینرو، "صفا" پیش نیازی برای دستیابی به بالاترین مرحله، یعنی "شان" است. "شان" ظهور فردیت خوشنویس در هنرش می باشد و در متن تجربه ای قرار می گیرد که آن را نوع خلاقیت ناب

۱- نکته: سال هاست که متن این رساله را با نام میر عماد قزوینی منتشر می کنند که بعد ها توسط پروفسور محمد شفیع نسخه ایی از این رساله به خط بابا شاه اصفهانی یافت شد و این نسبت را رد کرد. سپس دکتر مهدی بیانی و دیگران بارها بر این اشتباه آشکار انتقاد نمودند. ر.ک. قلیچ خانی، حمید رضا، آداب المشق، ص ۷.

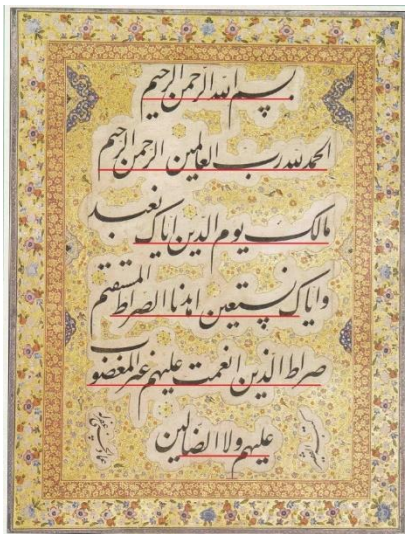
۲- سوره الرحمن، آیه ۲۹.

۳- رهایی از تقلید و کپی کاری

باید دانست، یعنی در این مرحله روشنی و شفافیت خط او بر اثر قواعد این جهان و رهایی از تقلید است. به عبارتی، خوشنویسانی که با اندیشه‌های عرفانی آشنا بودند و به ترکیه نفس^۱ می پرداختند، حالت درونی آنان در خوشنویسی انعکاس می یافت، آن گونه که خوشنویس هیچ گاه از تماشا و لذت بردن از اثرش سیر نمی گردد. چنانچه به آثار خوشنویسان گرانقدری نظیر میر عماد الحسنی نظر بیفکنیم تمام این اثرات عرفانی را می توان یافت که نمونه بارز آن قطعه سوره مبارکه حمد^۲ به خط نستعلیق و به قلم وی تحریر شده است.



تصویر شماره ۱: خط نستعلیق، اثر میر عماد الحسنی، موزه ملی ایران



تصویر شماره ۱- قاعده کرسی

سوره حمد یکی از مهمترین سوره های قرآن کریم است چرا که واجب بودن خواندن سوره حمد در نماز یومیه و همچنین معارف والای اخلاقی و عرفانی مندرج در آیات این سوره باعث شده است که در اخلاق و عرفان اسلامی باب ویژه ای به این سوره کم آیه، ولی پر بار اختصاص داده شود. در واقع، این سوره نوعی تربیت عملی است که بندگان شایسته در پیشگاه قدس الهی چگونه درخواست خود را عرضه کنند. در آغاز، تمجید و ستایش شایسته مقام عظمت پروردگار و سپس اظهار عبودیت در پیشگاه معبود و سرانجام نیاز به درگاه او که تنها در خواست عنایت خاص حضرت حق است. از آنجا که هنر خوشنویسی در ایران- اسلامی با کتابت کلام الله همراه بوده است، از این رو، این هنر قدسی برای کاتبان آن تحریر و کتابت صرف نبوده است. با این اعتقاد که حروف و کلمات قانون قدرت الهی هستند، خوشنویسی سوره حمد به عنوان یکی از اشکال متون مقدس بین هنرمندان خوشنویس رواج یافت.

از این رو، قطعه خوشنویسی مورد بحث (قطعه حمد) به عنوان یک اثر منسجم و زیبا واجد ویژگی هایی است که خود را نشان می دهند. به عنوان مثال، رعایت کردن قاعده کرسی از طریق وجود فاصله مساوی و مناسب بین خطوط افقی و عمودی کرسی.

در مثال دیگر، می توان به تعادل داشتن قطعه اشاره کرد که این ویژگی را می توان در تمام سطور اثر مشاهده کرد. در سطر اول قطعه دو طرف پایین سطر، یک سه نقطه در سمت راست و یک دو نقطه در سمت چپ به نحوی تحریر شده است که همراستا هستند. در سطرهای اول تا چهارم ارتفاع شروع و خاتمه سطرها برابر است. (مجدوبیت اثر). در مثال دیگری نیز می توان به زاویه مساوی در شروع سطرها اشاره داشت. به عنوان نمونه می توان به "بسم"، "الحمد"، "مالک"، "ایک"، "صراط"، "علیهم" اشاره نمود.

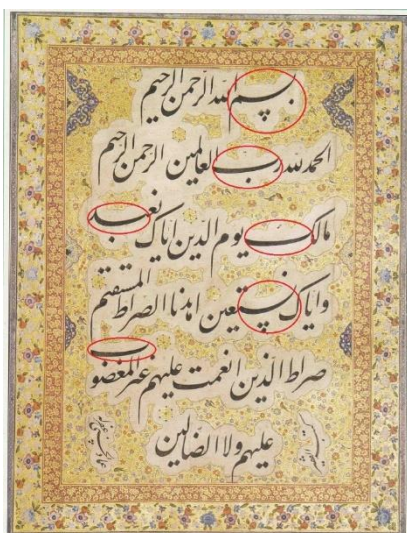
در مثال دیگری نیز می توان به کشیده های چشم نواز در این اثر اشاره نمود. این کشیده ها باعث نگاه مخاطب به زیبایی و استحکام اثر می گردد.

این شاهکار خوشنویسی^۳ ویژگی های دیگری نیز متجلی می سازد که آن در حد کمال بودن حروف و کلمات است که در برخی از مفردات وجود دارد. ترکیب بندی قوی و خلاقانه است مانند قرار دادن حرف الف "الله" بالای حرف "میم" به منظور پرکردن فضای خالی بالای حرف "میم" است.

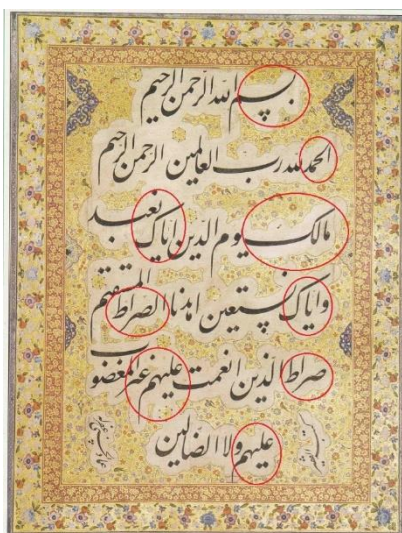
1- Catharsis

۲- در باره شرافت و منزلت این سوره روایاتی بسیار نقل شده است از جمله اینکه جابر ابن عبد الله انصاری (زاده ۱۶ قبل از هجرت - درگذشته ۷۸ ه. ق) می گوید: "پیامبر (ص) می گوید که "آیا می خواهی برترین سورها را به تو بشناسانم؟" ارج کردم: "آری". فرمود: "سوره حمد است که (ام الكتاب) به شمار می رود"، یعنی همه اهداف قرآن در آن خلاصه شده است. (علامه مجلسی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۵).

۳- به نظر صاحب نظران خوشنویسی بعد از میر عماد کسی تاکنون نتوانسته قطعه حمد به این سطح نگارش نماید.

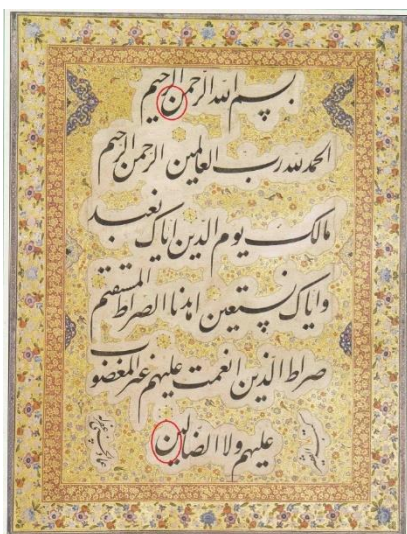


تصویر شماره ۳: حروف کشیده

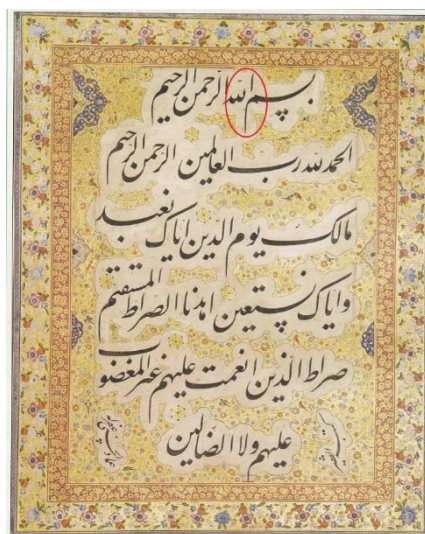


تصویر ۲: اصل تعادل

در مثالی دیگر می توان به همراستایی عمودی "نون ها"ی سطر های اول و آخر اثر همچنین نگارش پله کانی به صورت معکوس در "نون ها"ی "الرحمان" در سطر دوم، "الدین" در سطر سوم، کلمه "نستعین" در سطر چهارم و کلمه "الذین" در سطر پنجم، اشاره کرد.



تصویر شماره ۵: همراستایی عمودی "نون ها"



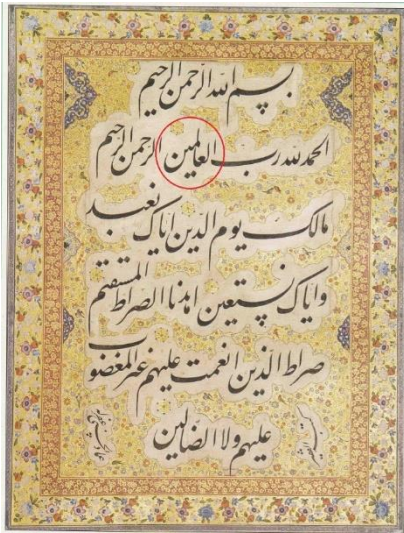
تصویر شماره ۴: قرار گرفتن حرف الف بالای میم

در مثال دیگری نیز می توان به قرار دادن حرف "ب" در مرکز سطر دوم یا حرف "ن" (در کلمه "یوم الدین") که تقریباً در وسط دو نقطه ایی واقع شده است.

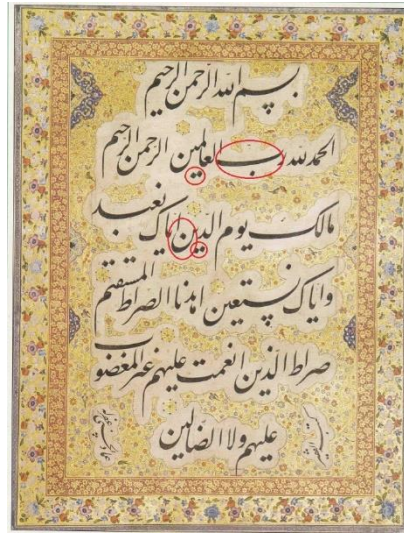
قرار گرفتن "لمین" در بالای "العالم" عالم بالا و پایین تداعی می کند.

استفاده از فاصله های برابر بین دو حرف مشابه از دیگر ویژه های زیبایی شناسی در این اثر است. به عنوان نمونه فاصله های یکسان بین تمامی حرفهای مشابه (الف و لام هایی که مانند الف نگاشته می شود و بعد از الف ها آمدند) مانند حروف "الر" در سطر اول، "العالم" در سطر دوم، "الد" در سطر سوم و "الصر" در سطر چهارم، اشاره نمود.

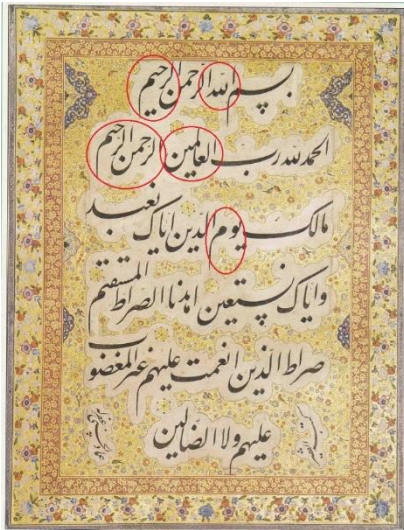
همچنین شکل و اندازه تقریباً یکسان در نقطه ها و حروف مشابه از دیگر جنبه های زیبایی در این اثر شاهکار خوشنویسی است. به عنوان نمونه دو نقطه ها در "الرحیم"، "العالمین" و "یوم". الف ها در کلمه "الله"، "الرحمن"، "الرحیم".



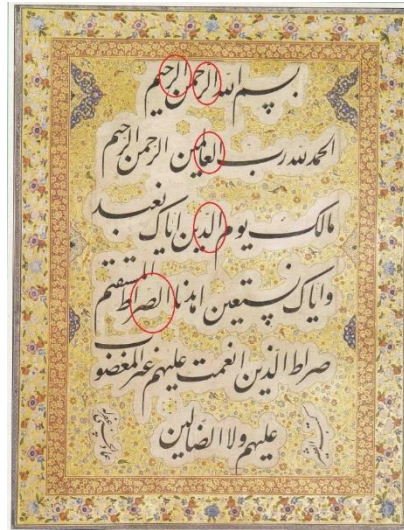
تصویر شماره ۷: قرار گرفتن "المین" در بالای "العا"



تصویر شماره ۶: قرار دادن حرف "ب" در مرکز سطر دوم یا حرف "ن"



تصویر شماره ۹: شکل و اندازه یکسان در نقطه ها و حروف مشابه

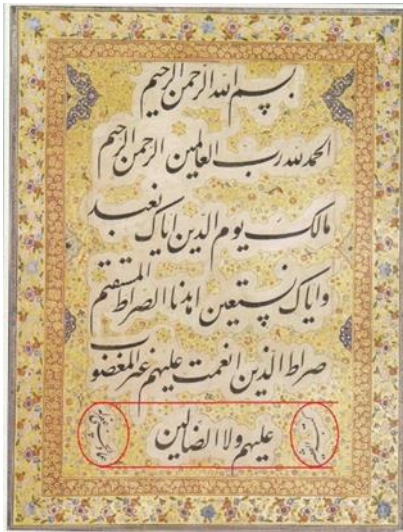


تصویر شماره ۸: استفاده از فاصله های برابر بین دو حرف مشابه

از دیگر زیبایی های این اثر عدم اعراب گذاری آن (به استثنای چندتا تشدید) که با توجه به ماهیت خط نستعلیق اعراب گذاری مناسب این خط نیست.

در نهایت صاحب اثر با پر کردن فضای خالی دو گوشه پایین اثر چند منظور داشته است:

- ۱- مشخص کردن صاحب اثر
- ۲- ایجاد تناسب و هموزنی با دو گوشه بالای اثر
- ۳- همراستایی عمودی نوشته های ("کتبه الفقیر" در گوشه سمت راست قطعه و "عماد الحسنی غفر له" در گوشه سمت چپ قطعه) دو گوشه پایین اثر با سطر آخر ("ولا الضالین")



تصویر شماره ۹: پر کردن فضای خالی دو گوشه پایین و همراستایی عمودی با بالا

۴- نتیجه گیری

با توجه به یافته‌ها می‌توان بیان داشت که تناسب منطقی در اثر میر عماد دیده می‌شود و عواملی مانند شیب هماهنگ بین کلمات، ترکیب‌های صحیح، زاویه یکسان حروف وجود دارد که در نگارش قطعه سوره حمد می‌عماد نظم، تناسب و زیبایی خاصی به اثر اش داده است. این تناسب از کرسی بندی صحیح حروف و نقطه گذاری هماهنگ ایجاد شده است. همه این‌ها نشان می‌دهد که تمامی قواعد خط در چار چوب اصول دوازده گانه خوشنویسی رعایت شده است.

یکی از رکن‌های اساسی مطرح شده در عرفان نظری ابن عربی "انسان کامل" است. "انسان کامل" مظهر تمام اسماء و صفات الهی و تجلیات غیبی و شهودی ذات احدیت است که همواره به دنبال طریقت الهی می‌باشد که منشأ نظر و عمل هنرمندان خوشنویس است که حرکت به سوی "انسان کامل" از طریق رسیدن به مراحل "صفا" و "شان" میسر می‌شود. به عبارت دیگر، هنرمند با رسیدن به این مرحله باعث تجلی حق در او (انسان کامل) می‌شود. بنابر این، انسان کامل نسبت به ذات مطلقه و غیب الغیوب عنوان اش صرفاً وجودی است، یعنی با سیر و سلوک عرفانی و طریقت قابل تعریف و درک است و نمی‌توان به صورت عینی و عقلی آن را نشان داد. همین‌طور درک مراحل صفا و شان نیز (به قدر درک خلاقه خوشنویس) غایت کامل ممکن از مظهر حق می‌باشد که به مدد سیر و سلوک عرفانی به دست می‌آید و در یمن صفات حمیده و عارض نفس انسانی قابل درک است و نه در خط (کتابت).

منابع

۱. قرآن مجید
۲. اخوان الصفا (۱۴۱۲). رسائل اخوان الصفاء و خلان الوفاء، ج ۱، ص ۱.
۳. ابن عربی، محیی الدین، فتوحات مکیه، ترجمه: محمد خواجوی، جلد ۱
۴. _____ (۱۴۰۰). فصوص/الحکم. به کوشش ابوالعلاء عقیفی. بیروت: دارالکتاب العربی .
۵. باباشاه الاصفهانی (۱۳۹۱). آداب المشق (نسخه دانشگاه پنجاب لاهور)، پژوهش حمیدرضا قلیچ‌خانی با همکاری دکتر معین نظامی، انتشارات پیکره، تهران .
۶. قلیچ‌خانی، حمیدرضا (۱۳۷۳ش)، رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته، تهران، روزنه، چ ۱.
۷. قیصری، محمد داوود. (۱۳۷۰). شرح فصوص/الحکم. تصحیح سید جلال آشتیانی. تهران: علمی و فرهنگی.
۸. لاهیجی، محمد بن یحیی. (۱۳۸۱). شرح گلشن راز. تصحیح محمدرضا برزگر و عفت کرباسی. تهران: زوار.
۹. مایل‌هروی، نجیب (۱۳۷۲)، کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی، انتشارات آستان قدس رضوی،
۱۰. مشهدی، سلطانتعلی (۱۳۷۳)، صراط‌السطور، چاپ شده در رساله‌هایی در خوشنویسی و هنرهای وابسته، گردآورنده حمیدرضا قلیچ‌خانی، انتشارات روزنه، تهران.
۱۱. مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۳). بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.

